

حضور دوستان، خامه پردازن، شخصیت های فرهنگی، زبان شناسان و ادبای
گرانسنگ محیط زیبا و دل انگیز شغنان !

درود و سلام بر شما !

آنگونه که اکثر شما از طریق دریاچه سایت " سیمای شغنان "، مشاهده نموده اید، دوست عزیز قوت " نیرو"، نامه ای را خدمت محترم علی شاه صبار، داکتر خوش نظر پامیرزاد و سرمحقق خیر محمد حیدری، گسیل داشتند. بدون تردید شما هایی که به تار نمای سیمای شغنان سری میزنید، در سیاق و محتوای آن پیرامون سرنوشت اکادمیک ونظام نگارشی (رسم الخط)، زبان و ادبیات شغنی در آینده ها سخن رانده شده بود، آگاهی دقیق حاصل نمودید که برای تکرار آن لزومی دیده نمیشود. کار کرد های دوستان ما در محیط افغانستان قابل قدر و ستایش بی پایان است، اما همواره تصامیم فعالیت های دسته جمعی ای که در نتیجه تفاهمات نسبی میان کار شناسان و افراد مسلکی و نیمه مسلکی به میان آمده است، دارای دست آورد های بی بدیل و بنیاد مستحکم برای نسل های آینده بیشتر از پیش محسوس و ملموس بوده است.

محترم علی شاه صبار ضمن ادای احترام به فرستنده نامه، مقاله زیبایی را زیر عنوان " زبان شغنی یا شغنانی"، بدست نشر سپرده اند که از دیدگاه زبان شناسی عمومی، مقایسی، آوا شناسی و فونولوژی برون مرزی و درون مرزی، دارای نکات نهایت جالب، قابل تأمل، تعمق و مباحث بیشتر می باشد که از طریق این تارنما نمیتوان در زمینه به نتیجه مطلوب و مورد پذیرش برای افراد صاحب نظر و همگان رسید. مزید بر آن دوستان شاید در جریان باشند که محترم مذهب شاه ظهوری یکی از خوب ترین شعرای محیط شغنان و کشور عزیز ما، نیز از سالیان متمادی است، پیرامون تدوین و ترتیب الفبای زبان شغنی، زحمات زیادی را متقبل شده اند که بدون تردید قابل وصف و در خور ستایش است.

همچنان دوست عزیز و صاحب قلم ما، محترم نور علی دوست، از مدت ها به این طرف روی این مسئله مهم کارکرد هایی دارند که به یقین باعث کاهش درد سر در زمینه برای همه ما و شما خواهد بود.

من هم در قطار شما و بر بنیاد نظریات و مشوره های سالم و یاری رسان شما، توانسته ام بیشتر از ده مقاله و نگارش را پیرامون زبان شغنی و سایر زبان های پامیری به نگارش گیرم که همه آنها در مجله عموم اجتماعی دانشگاه کابل، مجله غرجستان، اکادمی علوم تاجیکستان، دانشگاه ملی تاجیکستان، دانشگاه زبان های اسلاوی تاجیکستان، و سایت های فراتر از مرزها، ولانگه، خاوران، و دیگران اقبال نشر یافته اند. مزید بر آن سال گذشته پایین نامه دوکتورای خود را تحت رهنمای علمی ام داکتر علوم فلو لوژی، پروفیسور جمشید پروانه از طریق اکادمی علوم تاجیکستان، دیپارتمنت زبان ها و ادبیات خارجی دانشگاه سلویان به پایان رساندم که محتوا و سیاق

پایان نامه ام را نیز جهت استفاده دوستان داخل سایت شغنان ساختم، تا باعث پاسخ قبل از قبل به پرسش دوستان و عزیزان شده باشد.

در فرجام میخوام خدمت همه شما عزیزان اعتراف کنم که در میان شما حضور دارند افرادی که به مراتب لیاقت و شایستگی بیشتر نسبت به ما ها دارند، و همواره از داشته های شان استفاده اعظمی نموده ایم. اما حقیقت این است که هیچ نظری، و هیچ طرحی، و هیچ برنامه ای در شرایط کنونی، زمان و مکان مدرن و پیشرفته برای همیشه مطلق و عاری از کاستی ها، و نارسایی ها نبوده و نیاز مند مرور و بازرسی مجدد است، تا تکامل، انکشاف و پیشرفت بنیادین صورت گرفته بتواند. از این سبب من مبنی بر نامه محترم نیرو، و پاسخ دوستانه نهایت زیبایی محترم علی شاه صبار جسارت کردم و آفریده های محترم ظهوری و معاون سر محقق حیدری را که شاید هم تا جایی در نتیجه مشارکت کاری محترم داکتر پامیرزاد و محترم علی شاه صبار، از طریق اکادمی علم های افغانستان، اقبال چاپ یافته است، به اجازه همه شما به سایت سیمای شغنان فرستادم تا با استفاده از آن ها، و نگارش محترم صبار، و مرقومه های جسته و گریخته بنده که از آن ها ذکر نمودم، و به امید ورود هر چه زود تر نظریات و داشته های با ارزش محترم نورعلی دوست، دوستان و عزیزان ما می توانند بعد از مرور و بررسی این همه اسناد و مدارک، نظریات سالم، سازنده، علمی و اکادمیک شان را با ارایه استدال علمی، عملی در شیرازه محیط زبان شناسی و زبان شناختی مدرن که با " انجمن بین المللی زبان شناسی مدرن"، در مطابقت مطلق و یا نسبی باشد، به سایت بفرستند تا باعث ایجاد نظام مستحکم، ماندگار و قابل فهم برای سخنوران شغنان و آنهایی که در آینده ها به آموزش، پژوهش و نگارش زبان شغنی می پردازند، گردیده و هم پایه ای شده باشد برای تدوین و ترتیب الفبای سایر زبان های پامیری، به ویژه زبان وخی، اشکاشمی، زیباکی، سنگلیجی، منجی، و گویش روشانی، که در قاموس زبان شناسی معاصر به شمول زبان شغنی به نام زبان های در حال میرندگی قلمداد شده اند. یک مسئله باید برای همه ما واضح شده باشد، که هیچ قومی و هیچ ملتی هرگز قادر نخواهد بود، تا زبان شان را از تأثیر سایر زبان های ملی و بین المللی به گونه مطلق آزاد سازند، زیرا زبان که یگانه وسیله بازتاب فرهنگ، تاریخ، تمدن، تهذیب، عقیده و باور انسان است، همواره دارای ویژگی های فرامرزی بوده و بر بنیاد انکشاف ساینس و تکنولوژی دهکده جهانی امروز نیز دارای حقانیت انکار ناپذیر است.

از این سبب، با وصف پیشنهاد مذبور، که هنوز هم دیر نه شده است، از محترم سر محقق خیر محمد حیدری که آغاز گر رسمی کارکرد های پژوهشی پیرامون تدوین زبان الفبای زبان شغنی یا شغنانی قلمداد میشود، احترامانه خواهش میشود، تا با در نظر داشت پالیسی فرهنگی و آئین نامه دولت اسلامی افغانستان، پیرامون زبان های اقوام برادر و اقلیت های مسکون در کشور، سمینار علمی ملی را به اشتراک

تنی چند از زبان شناسان دانشگاه کابل، مرکز زبان شناسی ایران، اکادمی علوم افغانستان، انستیتو ت پامیر شناسی جمهوری تاجیکستان، و سایر نهاد ها و شخصیت های فرهنگی مطرح در افغانستان و محیط شغنان، به حمایت مالی دولت افغانستان سازمان دهی نمایند تا در نتیجه این چنین نشست، ابراز نظریات سالم و سازنده همه دانشمندان، به ویژه آنهایی که دارای تجارب غنی ملی و بین المللی هستند، توانسته باشیم نظام واقعاً علمی و اکادمیک رسم الخط زبان شغنی را به مثابه خدمت و رویداد واقعاً ماندگار و همه پذیر که در آینده بن گاهی شده باشد برای تدوین رسم الخط سایر زبان های پامیری، خدمت فرهنگی و انسانی را برای مردم و فرهنگ دیر پای خود، انجام داده باشیم.

به گیتی بپوی وبه هرکس بگوی
از آموختن یک زمان نغنوی
بدانی که دانش نیاید به بن (فردوسی)

به گفتار داندانه گان راه جوی
زهر دانشی چون سخن بشنوی
چو دیدار یابی به شاخ سخن

با ادای تکریم و تقدیم احترام
همشهری شما : پیکار

اكادمي علوم افغانستان

معاونيت بخش علوم بشري

مرکز زبانها و ادبيات

انستيتوت اقوام برادر

الفباي زبان شخني

مؤلف: معاون سر محقق خير محمد "حيدري"

کابل - ۱۳۸۳

صباوت به آسانی اخذ و تحمیل میشود. علاوه بر آن از یک زبان به زبان دیگر به سهولت انتقال یافته میتواند^(۱) خط در مراحل قبل التاریخ و بعد از میلاد، مرحله های مختلف تکاملی را طی کرده و در جوامع بشری بطور یکسان تکامل نیافته است. یعنی در بعضی از جوامع بشری تکامل آن سست بوده و یا حتی هیچ تکامل نکرده است، اما این دال بر آن نیست، افرادی که خط و یا زبان نگارش ندارند، بی فرهنگ و بی شعور اند، بلکه این گونه قوم بدون شک به اندازه خود، ادبیات و شعرا داشته و دارای فرهنگ بسیار پرورده و نماهای هنری جالبی می باشند، ولی بنابر نداشتن الفبا و یا فن نوشتن، از نظر علما و دانشمندان پوشیده مانده است.

هر زبانی که دارای صورت نوشتاری باشد، به عالیترین درجه کمال خود می رسد و اندیشه آدمی هر چه بیشتر از آن استفاده کرده میتواند.

زبان شغنی از جمله زبانهای گروپ پامیری بوده، به گروه شرقی زبانهای آریایی، خانواده هند و اروپایی تعلق دارد.

زبانهای گروپ پامیری عبارت اند از:

گروه زبانهای شغنی - روشانی، واخی، اشکاشمی، سنگلیچی، زبانهای منجی و یزغلامی نیز از جمله این زبانها به شمار می روند.

زبان یزغلامی تنها در جمهوری تاجکستان و زبانهای منجی و سنگلیچی صرف در افغانستان تکلم میشوند.

^۱ دایرة المعارف آریانا، (کابل: ۱۳۳۵) جلد سوم، ص ۲۷۹۷

زبان های واخی و اشکاشمی در هر دو طرف رود آمو (پنج) رایج اند.
زبان (سرقولی) در ایالت سین کیان (ترکستان شرقی) جمهوری مردم چین مروج است.

از جمله زبانهای پامیری، زبان شغنی در سلسله زبانهای پامیری جای مهم و خاص دارد. بدین معنی که زبان شغنی در بین اکثریت پامیری زبانها، بحیث زبان محاوره عمومی (به استثنای زبانهای منجی و سرقولی) استفاده میشود.

باید یاد آور شوم که در زبان شغنی، ادبیات شفاهی غنی وجود دارد و مردم شغنان به شعر و شاعری و ادبیات علاقه فراوان دارند، به این زبان اشعار زیادی سروده شده است، که متأسفانه به علل عدم موجودیت الفبای ثبت شده، الفبایی که شکل عمومیت و رسمی داشته باشد، جمع آوری و ثبت نگردیده است. با وجود آنکه زبان شغنی شکل گفتاری داشته دارای رسم الخط نگارشی نمی باشد، با آنهم تعدادی از محققین داخلی و خارجی درباره آن تحقیقاتی انجام داده و در وقت جمع آوری متون و ثبت آنها مخصوصاً محققین خارجی، آوا نویسی (ترانسکریپشن) لاتینی را بکار برده اند.

زبان شناسان خارجی از جمله (جارج مارگنسترن) زبانهای گروپ پامیری و بخصوص زبان شغنی را مورد مطالعه قرار داده و در وقت جمع آوری مواد و متون الفبای فونیتیکی بکار برده است. اگرچه دانشمند (زاروبین) اولین بار برای زبان شغنی الفبای فونیمیکی ایجاد کرد، اما این الفبا هم کامل نبود.

در اوایل سالهای سیام قرن بیستم، الفبایی را به اساس حروف لاتینی برای زبان شغنی ترتیب دادند، که تا سال (۱۹۳۷ م) از آن در بدخشان تاجکستان استفاده میشد، اما طوریکه معلوم است، مدت استفاده از این الفبا

محقق و دانشمند دیگری، که تمام زبانهای افغانستان را مورد تحقیق قرار داده است، مرحوم دوست محمد دوست شینواری میباشد، این دو دانشمند فقید در وقت جمع آوری مواد راجع به زبانهای پامیری از الفبای معمول پښتو و دری که اساس آنرا رسم الخط عربی تشکیل داده است، استفاده بعمل آورده اند.

در زبان شغنی بعضی اصواتی موجود اند، که مثال آنها را در زبانهای پښتو و دری نداریم، بناءً جهت احساس جدی و بخصوص بنابر اهل این زبان بودن، وظیفه خود دانستم که الفبای عمومی بی برای زبان شغنی موافق قواعد و استاندارد بین المللی و مطابق به شرایط فرهنگی و طم افغانستان با در نظر داشت ضرورت و خواست اکثریت شغنی زبانان، به اساس حروف عربی چنین الفبایی را طرح و تثبیت نمایم.

در تهیه و تدوین الفبای زبان شغنی، از استادان و دانشمندان گرانقدر مرکز زبانها و ادبیات اکادمی علوم افغانستان، که باارایه نظریات و رهنمایی های نیک و سودمند شان بنده را یاری و همکاری فرموده اند، بخصوص استاد مرحوم پوهاند محمد رحیم الهام، مرحوم سر محقق دوست محمد دوست شینواری و بالاخص از دانشمند و زبانشناس معروف روسی (پروفسور ا.ل. گریونبرگ) استاد پوهنتون سن پیتروس بورگ اظهار سپاس و شکران مینمایم.

* * *

در ایجاد نمودن الفبای شغنی، اصول ذیل مد نظر گرفته شده است:

- ۱- حتی الامکان کوشش به عمل آمده است، که حروف وضع شده، ترکیب فونیمیکی تمام صوتهای این زبان را انعکاس دهند.

ترکیب فونیمیک زبان شغنی

فونیم های زبان شغنی دارای مشخصات مختلف اند. آنها از نگاه ماهیت و چگونگی تشکیل و کیفیت سازنده گی آن اول به اول ها و کانسونانت ها تقسیم می شوند.

یک- واولها:

الف: واولهای کوتاه در زبان شغنی اینها اند:

(الف = a), (و = u), (ی = i)

این واولها معمولاً در بین کلمه های شغن نوشته نمی شوند، و در صورت لزوم به واسطه (فتحه، الف مضموم، الف مکسور) نشان داده می شوند، و در آغاز میانه و انجام کلمه ها و ترکیب ها، مطابق قواعد رسم الخط عربی نوشته می شوند، مثلاً:

یکم- واول کوتاه (الف = a):

۱- واول کوتاه (الف = a) یا مفتوح در آغاز کلمه توسط (الف) نوشته

می شود.

۲- برای نوشتن این واو در وسط کلمه حرفی وجود ندارد و توسط (ضمه) نشان داده می شود. یا بعبارۀ دیگر حرف ما قبل آن مضموم میگردد، مثال:

تنبپ	tuǰp (قروت، ترش)
چنگ	čung (کج) کُپ

۳- این واو اول کوتاه (u=و) در میان توسط واو (و) نوشته می شود، مثال:

مو	mu (مرا)
تو	tu (تو)
یو	yu (او)

یاد داشت: واو اول کوتاه (u=و) در وسط کلمه بدون حرف (گرافیم) به صورت ضمه ادا می شود، اما در آخر همانند واو اول دراز (u=و) توسط (و) نوشته می شود. فرق ایشان در تلفظ آنها می باشد، یعنی واو اول کوتاه (u=و) بدون طنین و واو اول دراز (ū) باطنین و تموج یا حرف ما قبل آن به شکل ضمه مشبوع ادا می گردد.

سوم- واو اول کوتاه (i=ی):

۱- طرز افادۀ این واو اول طوری است، که در آغاز واژه و ترکیب به شکل

الف (ا) مکسور نوشته می شود، مثال:

اکدس	ikdis (اینقسم، اینطور، همینطور)
اززا	izzō (شرم، حیا)

fāxm (ساده)

فآبسم

۳- در انجام کلمه: به واسطه (ه) نشان داده می شود، اما کوتاهتر ادا

می گردد، مثال:

fōxtā (کیوتر)

فاخته

γulā (بزرگ، کلان)

غله

دوم- واول دراز (ō=ō̄):

۱- در آغاز کلمه: واول دراز (ō=ō̄) (واو مجهول) در آغاز واژه به شکل

الف مسدوده (آ) نوشته می شود، در تلفظ به شکل الف مقصوره ادا میگردد،

مثال:

ōstā (آهسته)

آسته

ōstūn (زیارت)

آستون

۲- در میان کلمه: واول دراز (ō=ō̄) در میان واژه به شکل (ا) نوشته و الف

مقصوره تلفظ میگردد، مثال:

anōq (راست، مستقیم، عمود)

اناق

bōjak (چهار مغز)

باجک

۳- در انجام کلمه: به شکل الف (ا) نوشته و به گونه (الف) مقصوره ادا

میگردد، مثال:

lixō (رنخ)

لنبا

fanō (خسته، مانده شدن)

فنا

۳- در انجام کلمه: این واول در انجام واژه های شغنی به ندرت می آید، و اگر کدام واژه بی توسط آن ختم شود، به صورت واو (و) نوشته می شود. و ضمه مشبوع تلفظ می گردد، مثال:

کو kū (کوه)

وو ū (صدا)

پنجم- واول دراز (ي=Ā) یای معروف:

۱- در آغاز کلمه: این واول در آغاز واژه های اصیل مورد استعمال ندارد.

۲- در میان کلمه: در میان کلمه توسط یای معروف (ي) نشان داده می شود،

مثال:

ذیس Δīs (ده)

۳- در انجام کلمه: در انجام واژه توسط یای معروف نشان داده میشود، مثال:

دي dī (قریه، آبادی)

ششم- واولهای دراز (ي=ê, ē) یای مجهول:

در آغاز واژه پیش از (ê, ē) الف مکسور (ا) و یا حرف ما قبل آنها مکسور میگردد، مثال:

۱- در آغاز کلمه: ایوان ewûn (حیوان)

ایچه ēcā (آشیانه) عیچ

۲- در میان کلمه: این دو واول (ê, ē) در میان واژه توسط یای مجهول (ي)

نوشته می شود، مثال:

خیم cēm (چشم)

ذبد êd (جنگ)

دهه

چهارم - سونانتها:

این آوازه‌ها بنام مطنطن یا در لاتینی (sonorist) یاد می‌شوند و عبارت

اند از:

(r=ر)، (L=ل)، (m=م)، (n=ن)، (w=و)، (y=ی).

طرز کار برد سونانت‌های فوق در زبانهای شغنی، دری و پښتو یکسان بوده و

کدام تفاوتی در طرز تلفظ آنها دیده نمی‌شود، مثال:

	دری		شغنی
rabāb	رباب	rabōb	رباب
mard	مرد	mard	مرد
luqma	لقمه	luqmā	لقمه
namāz	نماز	namōz	نماز
waqt	وقت	waxt	وخت
? yaqin	<u>یقین</u>	yōc	یاخ (آتش)

xōlis

xaliş

خالص

۲- حرف (ض=Z):

این حرف در کلمه های دخیل مطابق قواعد رسم الخط عربی نوشته میشود. این صوت در تلفظ اکثراً بصورت (ز) تلفظ میشود، اما در نگارش صورت الفبایی خود را حفظ می کند.

تلفظ شغنی

تلفظ اصلی عربی

zayif

if^əza

ضعیف

mawzu

mawzoʔ

موضوع

arz

ʔarz

عرض

۳- حرف (ط=Ṭ):

این صوت با عناصر لفظی عربی از طریق زبانهای پستو و دری داخل زبان شغنی گردیده است، که در تلفظ همیشه به (ت) تبدیل میشود، اما در هنگام نگارش صورت الفبایی خویش را حفظ می کند.

تلفظ شغنی

تلفظ اصلی عربی

tōqat

ṭaqat

طاقت

siltūn

sultān

سلطان

faqat

ḥaqat

فقط

حرف (ع=ع):

این فونیم از طریق زبانهای دری و پښتو داخل زبان شغنی گردیده است و یکی از فونیم های فصیح زبان عربی میباشد. این حرف طوریکه در عربی تلفظ میشود شغنی زبانان (به استثنای کسانی که زبان عربی را بلد هستند) این صوت را بصورت اصلی عربی آن تلفظ نمی کنند، اما در نگارش صورت الفبایی را حفظ میکنند.

فونیم (ع) نظر به موقعیت خود در واژه های زبان شغنی به شکل های (i, u, ō, a) تلفظ میشود؛ مثلاً: در کلمه های عدالت adōlat عافیت adfiyat، عموم umūm، علم ilm.

تلفظ اصلی عربی	تلفظ شغنی
عدالت	adōlat
معلوم	malum
موضوع	mawzu
عادل	adālat
معلوم	malum
موضوع	mawzo

فونیم (ه = h) دری در زبان شغنی: این فونیم از زبان دری داخل زبان شغنی گردیده است. این فونیم در گفتار شغنی زبانان گاهی ظاهر و گاهی ساقط میگردد، در آغاز و انجام واژه ها با بعضی از اصوات ترکیب گردیده و گروپ واولهای کوتاه و دراز (u, ō, a) را تشکیل میدهد:

تلفظ اصلی دری	تلفظ شغنی
هر	har
هنر	unar
گناه	gunah
	ar
	unar
	gunō

دری	شغنی
حضرت	hazrat
نظر	nazar
ظالم	zōlim
	hazrat
	nažar
	žālim

یادداشت: تعدادی از واژه های دخیل در زبان شغنی وجود دارند که طرز تلفظ آنها معلوم نیست، بدین معنی، که تعدادی از تحصیل کرده گان شغنی زبان که زبانهای پښتو و دری را میدانند این واژه ها را به شکل اصلیش تلفظ می کنند و کسانی که سواد ندارند این واژه ها را به شکل شغنی تلفظ می کنند، بناءً مجاز دانسته میشود، که بهر دو طریق یعنی هم مطابق رسم الخط شغنی و هم مطابق رسم الخط پښتو و دری نوشته شوند، مثال: شیشه šēša، در زبان شغنی xēxā، رهن rahzan، در زبان شغنی rahzan و هم این قسم razan نوشته میشود.

الفبای لهجه شغنائی که توسط
مذهب شاه (ظهوری)
ترتیب و انتخاب شده است

کراچی-۱۳۸۴

﴿ نکاتی چند در مورد نوشتن و طرز خواندن لسان شغنانی ﴾

لهجه یا لسان شغنانی مانند لهجه های اشکاشمی - واخانی - سنگلیجی - منجانی - که در مناطق دره نشین ولایت بدخشان موجود میباشد و مردم به آن - متکلم اند در دو قسمت یعنی شغان بدخشان افغانستان و شغان بدخشان تاجکستان شوروی و ضمناً در دو کنار دریای آمو موقعیت دارد زبان خاص مردم این دو منطقه هم مرز بوده مردم به آن تکلم میکنند - در استعمال کلمات لهجه شغنانی علاوه از حروف الفبای عربی - دری و حروف پشتو

چهار حرف دیگر که عبارت از ﴿ت﴾، ﴿خ﴾، ﴿ذ﴾، ﴿ف﴾ میباشد و مخصوص حروف این لهجه است زیاد تر مورد استعمال قرار میگیرد - لهجه متذکره چون از نگاه حروف و کلمات يك لسان محدود و نامکمل میباشد بدان ملحوظ اکثرأ از الفاظ دری - استفاده میگردد و به نسبت محدود بودن الفاظ و حروف آن از زمان های دیر تا کنون در فن نوشتن این لهجه اقدامی بعمل نیامده و حتی در تعیین و انتخاب حروف آن نیز جزء ترین توجه بعمل نیامده و کوتاه ترین مضمونی هم به شیوه خاص این لهجه تحریر و بجا گذاشته نشده است ولی کنون که چراغ دانش و فرهنگ زوایای تاریک وطن ما را با نور فروزان خود منور ساخته با استفاده از کوچکترین ذره پرتو پر درخشش آن چون در دوران تحصیل و مکتب بالسان پشتو آشنائی پیدا و از اینکه بعضی کلمات و جملات لسان پشتو و لهجه شغنانی را با همدیگر مشابه یافتیم تصمیم آنرا گرفتیم تا در طریق نوشتن این لهجه از حروف پشتو استفاده اعظمی نمایم همان بود که يك تعداد حروف که خاص حروف مروجه لسان شغنانی میباشد دو حرف آن را یعنی -

(۱) - ت.. (تیر) یعنی خاکستر - بشکل (ت) پندك دار پشتو -

(۲) - خ.. (خلک) - یعنی کوچک بشکل (ز) پشتو - ✓

za lile

za rangat خرفنت

و دو حرف دیگر که عبارت اند از -

- (۱) - ذ - (ذیس) یعنی ده بشکل حرف (ذ) عربی صرف با گذاشتن دو نقطه اضافی -
 - (۲) - ف - (فارج) یعنی اسپ بشکل حرف (ف) عربی نیز با گذاشتن دو نقطه اضافی انتخاب و در نوشتن از آن استفاده شده است - اما به خاطر باید داشت که حروف فوق الذکر باز هم خالی از نواقصاتی نمیباشد زیرا که توسط دست و قلم کلمات بطور صحت و مکمل تحریر می یابد ولی اگر روزی در مورد طبع - مضمونی از این لهجه فرصت میسر گردد در طبع نمودن - آن مشکلاتی بار خواهد آورد مثلاً در موقع طبع جملات حاوی حروف (ذ ، ف) نسبت نداشتن سه نقطه در بالای حروف (ذ - ف) عین حروف جملات شغنائی را وانمود نساخته بلکه در جملات طبع شده حروف (ذ - ف) عربی را نشان میدهد - بهر صورت چون با داشتن مشکلات فوق الذکر بدون از دو حرف بالا دیگر کدام حروف مناسب و سهل تر را که قرین جملات این لهجه بوده و افاده کلمات را برای خواننده کرده بتواند نیافتم ناچار دو حرف متذکره را انتخاب و در نوشتن از آن استفاده برده ام -
- ولی سایر حروف هائیکه به استثنای حروف عربی و دری در لهجه شغنائی استعمال میشود تلفظ و ادا کردن آنها عیناً با تلفظ و صوت بعضی کلمات و جملات پشتو بکلی هم آهنگ میباشد که در نوشتن لهجه شغنائی از حروف پشتو استفاده بعمل آمده است مانند حروف ذیل -

- ۱- (ژ) ژندم --- یعنی گندم --- ژاو --- یعنی گاو - اصلاً حرف فارسی می^ک
- ۲- (ږ) ږنک --- یعنی زن --- ږال --- یعنی زنگ (زنگوله) - ږ
- ۳- (خ) خرهنگ --- یعنی چه قسم --- خوند --- یعنی چند - خ
- ۴- (ښ) ښتر --- یعنی اُشتر --- ښرمند - یعنی شرمنده -

﴿حروف مخصوص لهجه شغنانی﴾

۱- حرف (ت) : ت

این حرف در هنگام مکالمات و سخن گفتن طوری ادا میگردد که نوک دندانهای فوقانی پیشروی آهسته و طور سطحی بالای نوک زبان تماس پیدا میکند مثلاً

تیر --- یعنی خاکستر --- تَد --- یعنی سوخت

۲- حرف (خ) : خ

این حرف در اثنای سخن گفتن علایم مشخصه نداشته ولی با جزء ترین تغییر صوتی حرف (ز) پشتو جملات شغنانی را ادا و تثبیت می نماید مثلاً

خلک --- کوچک --- خملهق --- یعنی سرملاق افتیدن ✓

--- زریخ --- کبک -

۳- حرف (ذ) : ذ

این حرف در هنگام مکالمات و سخن گفتن قسمی ادا میگردد که نوک دندانهای فوقانی پیشروی بالای زبان قرار گرفته و دندانها از بالای زبان به سرعت جدا میشود مثلاً

ذیس --- یعنی ده --- ذاد --- یعنی زد --- ذارگ --- یعنی چوب -

۴- حرف (ف) : ف

این حرف در هنگام مکالمات و سخن گفتن طوری ادا میگردد که نوک دندانهای فوقانی پیشروی مانند حرف (ف) انگلیسی در بالای لب پائینی قرار گرفته جمله را مشخص می سازد مثلاً

فارج --- یعنی اسب --- فَراد --- یعنی برادر، فَد --- یعنی بود -

((حروف مشترك زبان شغناني و لسان پشتو))

(١) حرف (ژ):

مثال پشتو- (ژارگی)

ژمی --- زمستان --- ژوندی --- زنده --- ژرنده --- آسیاب -

مثال شغناني -

ژاو --- یعنی گاو --- ژندم --- یعنی گندم --- ژنج --- یعنی برف -

(٢) حرف (ړ):

مثال پشتو-

مورک --- یعنی موش --- زمونږ --- یعنی از من -

مثال شغناني

ړال --- یعنی زنگ (زنگوله) --- ړنک --- یعنی زن --- ړپیت --- یعنی پاش میدهد -

(٣) حرف (څ):

مثال پشتو

څنگه ئی --- یعنی چطور هستی --- څوک --- یعنی کی -

مثال شغناني -

څرهنګ --- یعنی چطور هستی --- څمود --- یعنی سبد --- څرهنګ --- یعنی چه قسم -

(٤) حرف (ښ):

مثال پشتو-

اوبښ --- یعنی اُشتر --- وابښه --- یعنی علف --- دښت --- یعنی دشت -

مثال شغنانی-

بَـنَـتَـرَـ --- یعنی اَشْتَرَـ --- وَاِشَـ --- یعنی عَـلَـفَـ --- دَـهَـبَـتَـ --- یعنی دَـشَـتَـ ---
جمله هشت حروف پشتو و شغنانی اند که علاوه از حروف دری و عربی جهت مکالمات روز
مره در لسان شغنانی مورد استفاده قرار میگیرد که حروف مکمل آن قرار ذیل اند-

تَـ ، خَـ ، حَـ ، ژَـ ، پَـ ، دَـ ، ذَـ ، بَـشَـ ، فَـ -

﴿ تاریخ ۹-۱۰-۱۳۴۹ مزار شریف - مذهب شاه (ظهوری) ﴾

با توضیحات فوق در مورد الفبای شغنانی اگر خواننده محترم متوجه شود ۳۵ سال قبل یعنی در
سال ۱۳۴۹ این الفبا را تعیین و انتخاب نموده در نوشتن و خواندن اشعارم که تا حال
تعدادی از پارچه های اشعار را بزبان شغنانی نوشته ام ازین الفبا استفاده نموده و درین
حصه مشق و تمرین نموده ام مخصوصاً دو حرف (ځ ، ف) را بدون آنکه در همان زمان در
مورد زبان اردو ویا لسان سندی کوچکترین معلوماتی داشته باشم از نگاه همشکل بودن و
قرین بودن به دو حرف (ځ ، ف) عربی آنها را در جمله چند حروف لسان پشتو به حیث
الفبای شغنانی انتخاب و قبول نموده ام که تا کنون تعدادی از جوانان با سواد و تحصیل
یافته شغنانی نیز در سرودن اشعارشان از همین هشت حروف تذکر یافته فوق استفاده ...
نموده اند - ولی در اواخر این سال ها زمان که به اثر جنگ های تباہ کن و بیدادگری های
طالبان در عقرب سال ۱۳۷۸ به شمول چند فامیل دیگر از وطن عزیز آواره و به کشور
همسایه پاکستان در شهر کراچی پناهنده گردیدیم بعد از گذشت دو ماه پسر حبیب الله به
اثر توجه یکی از معلمین گلگتی شامل مکتب اردو گردیده در دوران تحصیل شان در
مکاتب پاکستانی بالسان اردو و سندی آشنائی و بلدیت پیدا کرده در مورد موجود بودن
این دو حرف (ځ و ف) برایم معلومات و اطمینان دادند ولی صرف با اندکی تفاوت جزء
که حرف (ځ) انتخاب شده ام حاوی سه نقطه ولی حرف (ف) سندی دارای چهار
نقطه میباشد که دو حرف ذکر شده سندی چنین است (ځ ر ځ) -

از دیدن و موجود بودن این دو حرف در کتاب های طبع شده، سندی نهایت خور سند و مطمئن بر آن گردیدم این دو حرفی را که سالها قبل غرض نوشتن و خواندن لسان شغنائی انتخاب و از آن استفاده و بکار برده ام به واقعیت پیوسته نوشته های شعری من و اشعار سایر دوستانم که به زبان شغنائی اشعاری سروده اند در حالیکه ضایع نمیگردند روزی به طبع هم رسیده مورد استفاده خواننده گان قرار خواهد گرفت زیرا اگر این دو حرف در ردیف الفبای پشتو قرار داده به حیث حروف رسمی و دایمی منظور و پذیرفته شود مشکل نوشتن و خواندن لسان شغنائی را بکلی مرفوع خواهد نمود - بناءً چنین نظر دارم که جهت بر طرف نمودن مشکل نوشتن و خواندن لسان شغنائی مخصوصاً در عرصه طباعت و طبع نمودن مضامین شغنائی اگر این دو حرف سندی در ردیف الفبای پشتو گنجانیده و قرار داده شود تواءم با حروف فارسی و عربی معضله اولی لسان شغنائی را مرفوع خواهد نمود زیرا با تعیین نمودن و تثبیت الفبای شغنائی و تدریس آن در مکاتب اهل این زبان روزنه دانش و انکشاف آن برای همزبانان این لسان باز خواهد گردید -

مذهب شاه (ظهوری) ۲۸ --- ۱۰ --- ۱۳۸۴ لسیله --- کراچی --- پاکستان

((نکاتی چند در باره کتاب الفبای شغنی تاء لیف محترم خیر محمد (حیدری)))

نظریه اینجانب مذهب شاه (ظهوری) در مورد تاء لیف کتاب الفبای زبان شغنی که توسط معاون سر محقق محترم خیر محمد (حیدری) تاء لیف گردیده است بطور خلاصه ارائه میگردد - در صفحه این کتاب که از روسی به دری ترجمه شده است پروفیسور - ا. ل - گریو نبرگ پیرامون الفبای شغنی توضیحات روشنی ارائه کرده است نامبرده واضحاً تذکر داده که بیان و پخش این زبان به وسیله الفبای عربی کاریست مشکل و صعب و همچنان در ظهر همین صفحه تذکر داده است که علاوه از این با به وجود آوردن الفبای نو گوینده گان با ماهیت کار آشنائی کامل ندارند معمولاً پیشنهاد و تقاضای نمایند که تمام اصوات زبان آنها باید توسط الفبای عربی انعکاس یابد - طوریکه در بالا یاد آوری گردید اصلاً این کار ناممکن است - لهذا نظریه پروفیسور مذکور را در مورد مشکل بودن نوشتن و خواندن لسان شغنائی با الوسيله الفبای عربی قابل تائید میدانم -

زیرا اگر در جملات شغنانی بجای حروف، تپ، ژ، ق شغنانی از حروف -- ث -- ذ -- ف، عربی استفاده شود عین جملات شغنانی را به آسانی افاده کرده نتوانسته و مطالب اصلی را وانمود نمیکند مثلاً در جملات آتی -

اول --- در جمله حاوی حرف (ت) شغنانی اگر --- میت --- یعنی روز نوشته شود و باز هم عین جمله با حرف --- ث --- عربی نوشته شود جمله حاوی حرف، --- ث --- (میت) خوانده شده و میت جمله شغنانی را افاده کرده نمیتواند -

و یا اگر با جمله شغنانی (تپیر) یعنی خاکستر و با حرف (ث) عربی (ثیر) نوشته شود جمله (ثیر) معنی خاکستر را افاده کرده نمیتواند -

در جملات حاوی حرف (ت) شغنانی یعنی حرف (ت) پندك دار پشتو به نسبت داشتن پندك متصل در پائین حرف متذکره بالای حرف (ت) عربی تاثیر نینداخته بلکه در جملات شغنانی بصورت آزاد و مستقل خوانده میشود -

ولی اگر به جای حرف (ت) پشتو در جملات شغنانی حرف (ث) عربی نوشته و به کار برده شود در اثنای خواندن بعضی جملات حاوی حرف (ث) دودلی پیدا گردیده جملات به آسانی قابل تفکیک نمیشوند مثلاً ثمر، ثواب، ثنا، ثبوت، مخصوصاً خواندن برای کسانیکه به لسان شغنانی آشنائی ندارند نهایت مشکل خواهد بود -

در جملات حاوی حرف (ژ) شغنانی نیز با نوشتن حرف (ذ) عربی مانند حروف (ث) عین مشکل به میان آمده خواننده را دچار دودلی می سازد - مانند، متذکره، ذکر، ذائقه، وغیره -

دوم --- در جمله حاوی حرف (ژ) شغنانی اگر (ژد) یعنی دود نوشته شود و به جای حرف (ژ) شغنانی حرف (ذ) عربی نوشته شود عین جمله شغنانی را افاده کرده نمیتواند - و یا اگر به شغنانی (ژیس) یعنی ۱۰ ده نوشته شود و باز هم عین جمله با حرف (ذ) عربی

(ژیس) نوشته شود همان جمله و معنی آنرا واضح نمی سازد - سوم --- اگر در جمله، با حرف (ق) شغنانی یعنی (قراد) برادر نوشته شود و با حرف (ف) عربی (فراد) نوشته شود باز هم معنی و جمله شغنانی را افاده کرده نمیتواند - و همچنان در جمله (قارج) که معنی آن اسپ است با نوشتن به همراهی حرف (ف) عربی یعنی (فارج) عین معنی و جمله شغنانی را وانمود کرده نمیتواند -

خلاصه اینکه سه حروف عربی فوق الذکر به نسبت مستقل نبودن خود در خواندن و نوشتن لسان شغنانی مخصوصاً اشخاصی که به این لسان آشنائی ندارند مشکلاتی بار آورده حتی در صورت مشق و تمرین دوامدار نیز در حصه طبع و تدریس مضامین بزبان شغنانی مشکلاتی در بر خواهد داشت - لهذا برای اینکه این مشکلات در حال و آینده مرفوع گردیده باشد و بتوانیم در عرصه نوشتن و خواندن زبان مادری خویش قدمی به پیش گذاشته، راه روشنی بسوی علم و دانش باز کنیم و درین راستا برای نسل های جوان خود مصدر خدمتی شده باشیم قبل از همه باید جهت خواندن و نوشتن زبان شغنانی الفبائی را تعیین و انتخاب نمائیم که اقلاً نیمه مستقل بوده و با لهجه و زبان شغنانی اندکی هم آهنگی داشته باشد روی این ملحوظ من چنین نظر دارم که در نوشتن و خواندن مضامین و نوشته جات زبان شغنانی -

۱ - به جای حرف (ث) عربی حرف (پ) (پندك دار پشتو که در جملات حاوی (پ) مانند (پیر) خاکسترو (پد) به معنی سوخت استعمال میشود تعیین و قبول گردیده مورد استفاده

دایمی قرار گیرد -

۲ - به جای حرف (ذ) عربی حرف (ڈ) سندی جای گزین نموده و برای همیشه در خواندن و نوشتن مضامین شغنانی از آن استفاده نمود به خاطر اینکه این حرف از یکسو مستقل بوده و از جانب دیگر تعدای از شغنانیان تحصیل یافته و با سواد از چند سال به این طرف در نوشته ها و اشعارشان این حرف را به همین شکل قبول نموده و از آن استفاده نموده اند و جملات حاوی حرف (ڈ) این ها اند -

ڈارگ - یعنی چوب و ڈندون - دندان و ڈرکن - یعنی دورکن و ڈاری -

do - A - rai

ڈواری

dar - kin

دارکن

- یعنی دوسه -

۳- همچنان در جملات حاوی حرف (ق) شغنائی به جای حرف (ف) عربی باید حرف (ق) سندی طور دایمی قبول نموده در زبان شغنائی بدون قید و بست از آن استفاده نمود زیرا تعدادی از باسوادان و تحصیل یافته گان شغنائی تا کنون مانند حرف (ڙ) مدت ها است با گذاشتن دو نقطه اضافی بالای حرف (ف) عربی حرف (ق) را پذیرفته و در مطالب شان از آن استفاده نموده اند که جملات حاوی حرف (ق) -

قرار ذیل اند۔ قُد ، قُدم ، قُددین ، قُودین ، قُوستین۔

باید تذکر داد هرگاه این حروف تذکر یافته فوق یعنی (پ) پندک دار پشتو و این دو حرف

(ذ، ق) سندی به جای حرف ث، ذ، ف، عربی در جمله حروف رسمی الفبای شغنانی پذیرفته شود این حروف در ترکیب با سایر الفبای پشتو، عربی، فارسی مشکل خواندن و نوشتن زبان شغنانی را حل نموده راه را برای انکشاف و پیشرفت این لسان هموار خواهد

نمود زیرا چهار حرف عمده که عبارت از (ت، ح، ذ، ق) یعنی دو حروف اول الذکر از

جمله الفبای پشتو و دو حروف آخر الذکر از جمله الفبای سندی میباشند که در مکالمات روزمره لسان شغنانی نقش اساسی دارند که با پذیرفتن و قبول نمودن آنها به حیث الفبای شغنانی در ترکیب الفبای عربی و فارسی معضله نوشتن و خواندن این لسان را بکلی مرفوع خواهد نمود -

که مجموع الفبا این لسان بدون از سایر حروف پشتو، فارسی، عربی قرار ذیل اند:-

تہ -- خ -- ح -- ژ -- پ -- ڈ -- ذ -- بنس -- ف

بناءً با توضیح و ارائیه نظر و مشوره ام در مورد الفبای شغنی از برادرم محترم خیر محمد (حیدری) تقاضا بعمل می آید چون از طریق ریاست اکادمی علوم افغانستان جهت انکشاف شاخه های زبان پامیری عطف توجه بعمل آمده و ساکنین دره نشین این خطه کوهستانی بعد از گذشت سالیان درازی در عرصه انکشاف زبان شان مورد تقدیر قرار گرفته و در رشد و انکشاف این لهجه ها و شاخه های کهن زبان آریائی عادلانه جلب نظر قرار گرفته اند جای بسی خورسندی است -

1875

بدین ارتباط از اینکه جهت انکشاف و رشد علمی شاخه های زبان پامیری به اساس مسلکی بودن از خود شایستگی نشان داده و مسئولیت های زیادی را عهده دار شده اید اولاً موفقیت و کامیابی شما را در مسیر انکشاف و پیشبرد علمی لسان شغنانی خواهانم -

ثانیاً امیدوارم سهم و حقوقی که در عرصه انکشاف و رشد زبان های پامیری از طریق اداره مربوطه تعیین و مجاز دانسته شده از آن بهره مند گردیده در رشد آنها تلاش پیگیرانه نمائید البته مطلب اساسی این خواهد بود که جهت حل مشکل نوشتن و خواندن زبان شغنانی به مقامات ذیصلاح مربوطه پیشنهاد گردد تا دو حرف (ډرځ) که از جمله الفبای رسمی سندی در پاکستان میباشد بطور رسمی در ردیف الفبای پشتو گنجانیده و قرار داده شود زیرا در صورتیکه این دو حرف شامل الفبای پشتو شود توام با سایر حروف پشتو ، عربی و فارسی مشکل نوشتن چه در طباعت و طبع و چه نوشتن با دست حل گردیده در لسان شغنانی پیشرفت علمی نصیب هموطنان ما خواهد گردید -

بعد از ابراز نظر و مشوره فوق باید تذکر داده شود زمان که کتاب الفبای تاء لیف محترم (حیدری) مورد مطالعه قرار گرفت تعدادی از جملات و لغات های مندرجه کتاب مذکور از نگاه املائی و عدم آشنائی کارمندان مطبعه به این لسان غلط و نادرست به طبع رسیده اند - و همچنان اگر دقیق متوجه شویم کلمه شغنی یک کلمه اصطلاحی و تحت الفظی بوده که توسط شخصی به شخص دیگری مورد استفاده قرار میگیرد ولی کلمه صحیح و ادبی آن در طرز نوشتن و خواندن کلمه (شغنانی) میباشد -

و ضمناً اگر در جریان سخن گفتن و اثنای ادا کردن کلمات بصورت دقیق متوجه شویم صحت بودن و غلط بودن املائی جملات ذیل را بصورت درست تشخیص کرده میتوانیم -
 ابرت --- مکرو فریب و بازی دادن کسی توسط کسی را معنی میدهد -

عبرت --- پند و تجربه را گویند -

در صفحه (۸) ما سه --- نرو --- غلط است بلکه جمله صحت آن (مه سه) است -

☆ اخمآند - غلط است بلکه جمله صحت آن (أخمهند) است یعنی تابع شده و بلد را گویند -

☆ ابیزد - بلعیدن ، فرو بردن - جمله متذکره با حرف (ی) نوشته نمیشود بلکه با حرف (ه)

نوشته میشود یعنی (ابهزد)

عادت را ترک گویند

در صفحه (۱۰) :

خُلدی -- غلط بوده بلکه (خُلده) صحت است یعنی خورد تریا کوچک تر -

در صفحه (۱۳) :

ذید -- معنی جنگ را نمیدهد بلکه جمله (ذید) دو معنی را افاده میکند -

۱ -- ذید « » به معنی میزند (۲) ذید « » پاروی حیوانی را میگویند ولی جمله که معنی

جنگ را میدهد (ذهد) نوشته میشود - *بدون احترام و با احترام*

در صفحه (۱۳) :

نوشتن (خیم) صحت نمیباشد بلکه با حرف (ه) خهم یعنی چشم نوشته میشود -

و همچنان در صفحات دیگر نیز جملات و لغات هائی نوشته شده که دارای اغلاط املائی میباشند -

این بود نظریات و مشوره های که به اساس تقاضای محترم خیر محمد (حیدری) در مورد تعیین و انتخاب الفبای شغنانی قرار تفصیلات فوق ارائیه و تقدیم حضور شان گردید -

با احترام

مذ سب شاه (ظهوری)

کراچی پاکستان ۵-۱۱-۱۳۸۴